

و انکس در آنجا زدن تا وی بسوخت چون آنرا مشاهده کردم گفته  
 سبحان الله بخوار زمین برسد که بجز سبحان گفتی قصه دعای  
 علی بن الحسین را رضی الله عنه با وی گفته مرا سوگند داد که تو خود بنویسی  
 آنرا از وی گفته ام و دانده و در کعبه نماز کرد و بعد از آن  
 ساعتی درنگ کرد و بر سر سجده نهاد و در سجده بود پس سر  
 برداشت و روان شد و من نیز تاباوروان شدم راه وی  
 بردر خانه من افتاد و پیر امرانات کردم که فرود آید ای کعبه ای  
 حاضر گفتم گفت ای منهای مرا خبر دادی که خدای تعالی دعا علی  
 بن الحسین را رضی الله عنه اجابت کرد پس میگوئی که بیاجب می  
 امر در روز انست که روزه دارم شکرانه آنرا که خدای تعالی  
 مرا این توفیق داد **عبد بن الحسین رضی الله عنه** وی امام است  
 کفایت وی الوجوه است و لقب وی یاقوت سحیحی اندک است  
 فی العلم و هو نوسعه فینه مادر وی فاطمه بود بنت الحسن بن  
 رضی الله عنها اولادت وی در مدینه بود و در زوجه سیم ماه سفر  
 سه سبغ و خنس من الجوه سبش از فضل امیر المؤمنین حسین علی

عنه سبه سال و وفات وی در سنه اربع عشره و ما بعد بود و سن  
 وی آن وقت بجاه و هفت بود و قبر وی در بقیع است بود  
 پدر وی کفته است که بر جابر بن عبد الله رضی الله عنه  
 در آمد و بروی سلام گفت در آن وقت که چشم وی پوشیده بود  
 سلام مرا جواب داد گفت کیستی او گفتم محمد بن علی بن الحسین  
 گفت ای فرزند من بیشتر ای بیشتر آمد دست مرا میسوزد پس  
 میل کرد تا بای مرا میسوزد من دور شدم گفت آن رسول الله صلی  
 الله علیه و سلم بفرک السلام من کفتم و علی رسول الله السلام و رحمة الله  
 و برکاته پس گفته ام چون بوده است ای جابر گفت رو بروی بار رسول  
 بود صلی الله علیه و سلم مرا گفت ای جابر شاید که تو باقی تا آن وقت  
 که ملاقات کنی با یکی از فرزندان من که دیرا محمد بن علی  
 بن الحسین گویند خدای تعالی و بر نور و حکمت خواهد داد و بر  
 از من سلام رسان و در روایتی ذکر از جابر رضی الله عنه چنین  
 آمده است که گفت قال لی رسول الله صلی الله علیه و سلم یومئذ ان  
 یحیی صلی الله علیه و سلم ولد من الحسن بن اجمال له محمد یقر علمه الدین یقرافاذا

عنه سبه سال